

سنجش آگاهی‌های حقوقی زنان از قوانین خانواده بر اساس فرضیه شکاف آگاهی و اطلاعات (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان)

وحید قاسمی*، فاطمه عمرانیان**

چکیده: از آنجا که آگاهی از قوانین حقوقی در نظام اجتماعی می‌تواند جهت احیای حقوق و رشد شخصیت افراد مؤثر باشد و رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی نیز از عوامل مهم اجتماعی شدن و افزایش آگاهی افراد است، مطالعه حاضر با هدف سنجش آگاهی حقوقی زنان از قوانین خانواده بر اساس فرضیه شکاف آگاهی و اطلاعات انجام شد. مطالعه به سه روش اسنادی، پیمایشی و کیفی صورت گرفت. جامعه آماری تمام دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان و نمونه آماری تعداد ۳۸۴ نفر از این دانشجویان بود که به صورت سهمیه‌ای انتخاب شده و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه که دارای اعتبار و قابلیت اعتماد قابل قبول بود، مورد سنجش قرار گرفتند. برای پردازش و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از نرم افزار SPSS استفاده گردید. نتیجه‌ی حاصل از تحلیل نشان داد که بین میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب و آگاهی حقوقی دانشجویان ارتباط معنی‌داری وجود ندارد و فرضیه شکاف آگاهی و اطلاعات مبنی بر اینکه افراد دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا، به دلیل استفاده بیشتر از رسانه‌های مکتوب آگاهی بیشتری نسبت به افراد دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین دارند، رد شد. در مجموع آگاهی حقوقی دختران دانشجویان خود در نهاد خانواده بسیار کم بود.

واژگان کلیدی: آگاهی حقوقی، زنان، فرضیه شکاف آگاهی، قوانین خانواده، اطلاعات حقوقی، رسانه‌های مکتوب.

مقدمه

تحولات اخیر در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی به خصوص پدیده شهرنشینی نه تنها بر عادات و شیوه‌های رفتاری، بلکه بر الگوهای رفتاری و اطلاعات افراد تأثیرگذار بوده است. تحول نظام خانواده در جهان امروز و نقش رسانه‌ها در تغییرات فرهنگی جوامع، تلاش در جهت شناخت نقش زنان در جامعه و حوزه حقوقی آنها را به الزامی اجتماعی تبدیل کرده است، به گونه‌ای که افراد در روابط اجتماعی نیازمند

v.ghasemi@ltr.ui.ac.ir
fatemehomranian@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۷/۲۲

* دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان
** دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۳/۱

آگاهی از حقوق و تکالیف خود می‌باشند تا با حفظ حقوق خود، نسبت به تکالیف خود در برابر خانواده و جامعه ایفای مسئولیت نموده باشند. دانش و اطلاعات حقوقی زنان از قوانینی نظیر قانون مدنی و خانواده متضمن بهبود کیفیت زندگی زنان و ارتقاء جایگاه خانواده خواهد شد، مشروط بر آنکه در نهاد خانواده به واسطه توسعه آگاهی‌های حقوقی، توسعه روابط اجتماعی و مدارای اجتماعی نیز ملازم گردد.

امروزه انتظار می‌رود تا آگاهی حقوقی زنان به ویژه دانشجویان دختر از حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی افزوده شده باشد و این گروه نسبت به حقوق خود حساسیت بیشتری داشته باشند. سواد حقوقی زنان، بر توانایی آنها در انتخاب گزینه‌های مناسب در زندگی و مواجهه و برخورد منطقی آنان با خواسته‌ها و مطالبات می‌افزاید و دستاویز حرکت آنها به سوی عدالت بیشتر در موقعیت خویش و ایجاد مشارکت برابرخواهانه و آگاهانه آنها در زندگی خواهد شد. از سوی دیگر عدم آگاهی زنان می‌تواند زمینه‌ساز گرفتار شدن افراد در آسیب‌های اجتماعی و انواع قانون شکنی‌ها گردد. اجرای قانون در جامعه نیازمند شهروندانی است که نسبت به حقوق و مسئولیت‌های خود آگاهی کافی داشته باشند. این آگاهی حقوقی، دستیابی افراد را به معیارهای بالای زندگی تسهیل خواهد نمود. پس «آگاهی زنان از حقوقشان حق ایشان است» و رسانه‌ها که با استفاده از عنصر اطلاعات و با پیام به صورت امواج صوتی و تصویری و غیره با در هم نوردیدن مرزها، بر افکار و انسان‌ها اثر نهاده و به کنش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی جهت می‌دهند (طوریان، ۱۳۸۶: ۴۲)، می‌توانند در افزایش آگاهی افراد نقش مؤثری داشته باشند. هر چند انتظار نقش آگاهی بخشی از رسانه‌ها به دلایل مختلف مرتبط با فرستنده و گیرنده پیام می‌تواند برآورده نشود یا رسانه کارکرد ضعیفی در این مورد داشته باشد و یا مخاطب کمتر از رسانه بهره مند شود.

امروزه فرهنگ سازی در باب اهمیت آگاهی حقوقی و افزایش دانش اجتماعی زنان، از عمده‌ترین وظایف رسانه‌ها در عصر حاضر است. زمانی که اهمیت این موضوع برای نویسندگان و مسئولین رسانه‌ها محرز و مبرهن نباشد چه طور می‌توان انتظار داشت که آنها برای افزایش دانش حقوقی شهروندان (از طریق رسانه‌ها) اقدام کنند. به نظر می‌رسد با سنجش آگاهی حقوقی افراد در زمینه‌های مشابه و مهم دانستن قوانین حقوقی برای مسئولین رسانه می‌توان آنها را به گنجانیدن مطالب حقوقی در محتوای رسانه‌ها تشویق کرد.

بیان مسئله

حقوق، مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور و کلی است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۶۵: ۲۴۸)، بنابر این هدف تمام قواعد حقوقی، تأمین آسایش و نظم عمومی و اجرای عدالت است (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۵). در اینکه هر جامعه‌ای نیازمند نظام حقوقی است و هیچ نظام حقوقی نیز قادر نیست عدالت را به طور کامل برقرار و اجرا کند نیز شکی وجود ندارد (عبدی، ۱۳۷۱: ۲۱).

اما مشکل زمانی بوجود می‌آید که زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه نسبت به قوانین حقوقی خود، آگاهی و اطلاع کافی نداشته باشند. عدم آگاهی زنان نسبت به حقوق فردی، طبیعی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، همواره در طول تاریخ بنیادی‌ترین دلیل نادیده گرفته شدن آنها در همه ابعاد فوق الذکر و روا داشتن ستم نسبت به ایشان بوده است.

بدین لحاظ لازم است زنان تلاش کنند تا از حقوق خود در ابعاد مختلف به ویژه قوانین خانواده مطلع شوند و از آسیب‌ها و زیان‌های احتمالی ناشی از ناآگاهی و عدم کسب شناخت نسبت به این حقوق در امان باشند. در این صورت، جامعه نیز مراحل توسعه را سریع‌تر و عمیق‌تر خواهد پیمود، زیرا یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیشرفت و توسعه جامعه، میزان آگاهی‌های شهروندان آن جامعه نسبت به حقوق اجتماعی خود و به طور کلی دانش اجتماعی (در معنای عام) آن‌هاست (شیانی و فاطمی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۰۳).

در بررسی علل ستم بر زنان، نمی‌توان به این امر بسنده نمود که زنان در مقایسه با مردان از حقوق کمتری برخوردارند، بلکه مسئله‌ی عدم آگاهی آنها از این حقوق مختلف نیز بسیار جدی و حائز اهمیت است. عدم اطلاع اعضای یک جامعه از حقوق خود، همچون عدم وجود حقوق برای آنها می‌باشد. تنها با دانستن و آگاهی نسبت به حقوق خود می‌توان از کم و کیف رعایت آن مطمئن گردید. عدم آشنایی افراد جامعه به حوزه حقوق به ویژه قوانینی که در زندگی روزمره یا زندگی شغلی و خانوادگی آنها کاربرد دارد، احقاق حقوق آنها را با معضلات بسیاری مواجه خواهد ساخت.

بی‌اطلاعی از قانون هنگام تنظیم روابط و نیز موقع مراجعه به محکمه، عاملی مهم در تعارض میان واقعیت و حقوق است. این امر باید با گسترش آموزش مفاهیم حقوقی و قوانین و مقررات به اعضای جامعه پیگیری شود.

اهمیت دانش حقوقی آحاد جامعه تا بدانجا می‌باشد که یکی از شاخص‌های سنجش دموکراسی در جوامع، میزان اطلاعات حقوقی اعضای جامعه است (مهدوی و میرزاپور، ۱۳۸۸: ۳۰).

توسعه دانش حقوقی زنان، افزون بر رشد آگاهی‌های زنان در مورد حقوق خود، حقوق دیگران، حقوق اجتماعی و ... به افزایش ظرفیت‌های قانونی جهت احقاق حقوق زنان نیز می‌انجامد. دانش حقوقی زنان، آنها را در سپهرزندگی خود توانمند می‌سازد به طوری که در این ارتباط می‌توان گفت افزایش ظرفیت‌های زنان به معنای برخورداری آنها از زندگی همراه با سلامت و دستیابی به منابع تصمیم‌گیری و توانایی است. در نهادهای دولتی و قوف زنان بر حقوق خویش به آنها اجازه می‌دهد تا از این حقوق بهره‌مند شده و درصد احقاق آن برآیند (رکن‌الدین افتخاری و حبیب‌پور صادقی، ۱۳۸۷: ۵۹).

آنچه مسلم است آنکه برای رسیدن به جامعه پیشرفته و متعالی، زنان نقش حائز اهمیتی دارند و برای تسریع روند پیشرفت کشور، نخست باید زنان به تأثیر و اهمیت نقش خود آشنا شوند و دانش حقوقی آنان افزایش یابد. از این رو بررسی میزان آگاهی حقوقی زنان ضروری است.

این نوشتار درصد است ضمن بررسی آگاهی‌های حقوقی زنان براساس فرضیه شکاف آگاهی و اطلاعات به تبیین فاصله سواد حقوقی زنان پردازد. طبق فرضیه شکاف آگاهی و اطلاعات، شکاف و نابرابری در دانش و آگاهی افراد دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا و افراد دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین وجود دارد، از این رو بررسی رابطه‌ی بین پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد و میزان دانش حقوقی آنها الزامی است. از آنجا که در این فرضیه تحصیلات، متغیری مهم در تعیین پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد است و به نظر می‌رسد افراد تحصیل کرده از رسانه‌های مکتوب بیشتر استفاده می‌کنند، لذا در این تحقیق به بررسی فرضیه شکاف آگاهی و اطلاعات و رابطه‌ی بین میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب و دانش حقوقی دانشجویان دختر از قوانین خانواده پرداخته می‌شود.

ملاحظات نظری

«فرضیه شکاف آگاهی» نخستین بار توسط تیکنور، دونوهو و اولین^۱ در سال ۱۹۷۰ در مقاله‌ای با عنوان «جریان رسانه‌های جمعی و رشد تفکیکی در آگاهی» مطرح شد (تیکنور و همکاران، ۱۹۷۰: ۳۴). مؤلفان، فرضیه شکاف آگاهی را به این طریق بیان کردند:

1. Tichenor, Donohue, Olien

وقتی ریزش اطلاعات رسانه‌های جمعی به نظام اجتماعی افزایش می‌یابد، بخش‌هایی از جمعیت با پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتر سریع‌تر از بخش‌هایی با پایگاه پایین‌تر این اطلاعات را کسب می‌کنند، به طوری که شکاف در آگاهی میان این بخش‌ها به جای اینکه کاهش یابد، افزایش پیدا می‌کند. این فرضیه پیش‌بینی می‌کند که به خاطر اطلاعات اضافه، افراد دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین و افراد دارای پایگاه بالا هر دو آگاهی بدست می‌آورند، اما افراد دارای پایگاه بالا اطلاعات بیشتری بدست می‌آورند. این بدین معنی خواهد بود که شکاف نسبی در آگاهی میان افراد مرفه و افرادی که رفاه کمتری دارند، افزایش خواهد یافت (سورین، تانکارد، ۱۳۸۶: ۳۶۴).

از آنجا که تحصیلات افراد یکی از عناصر مهم در تعریف پایگاه اجتماعی اقتصادی است، مؤلفان مذکور برای آزمون فرضیه خود دو شکل عملیاتی را به کار گرفته‌اند که در هر دو آن‌ها کسب آگاهی از موضوعات عمومی، یعنی موضوعاتی که بیشتر احتمال دارد آگاهی از آن‌ها از طریق رسانه‌های جمعی حاصل شود، با متغیر تحصیلات مرتبط شده است. این دو فرضیه عملیاتی بدین شرح است:

۱- با گذشت زمان آگاهی از موضوعی که عمومیت بسیار یافته است، در میان اشخاص تحصیل کرده‌تر، سریع‌تر از کسب آن در میان اشخاصی است تحصیلات کمتری دارند (همان، ۳۶۴). شاید به این دلیل که افراد تحصیل کرده از رسانه‌های مکتوب بیشتر استفاده می‌کنند و رسانه‌های چاپی نیز با توجه به ذوق و سلیقه طبقه متوسط و بالا مطالب خود را عنوان می‌کنند (داناهو، ۱۹۸۶: ۴۵۳).

۲- در یک زمان معین باید همبستگی بالا میان کسب آگاهی و تحصیلات در مورد موضوع‌هایی که در رسانه‌ها عمومیت زیادی یافته‌اند وجود داشته باشد. تیکنور و همکاران شواهدی ارائه می‌کنند که هر دو شکل عملیاتی فرضیه را تأیید می‌کند (سورین، تانکارد، ۱۳۸۶: ۳۶۵). با اینکه فرضیه شکاف آگاهی در ابتدا به گونه‌ای مطرح شده است که تمام تغییرات در آگاهی افراد از مسایل عمومی به وضعیت اجتماعی اقتصادی آن‌ها نسبت داده است، در مراحل بعدی و با انجام تحقیقات بیشتر در فرضیه اولیه، اصلاحاتی داده شده است، به گونه‌ای که تأثیر وضعیت اجتماعی- اقتصادی افراد، تعدیل شده است. شرایط ویژه‌ای که طبق نظر تیکنور و همکاران وی و بر اساس تحقیقی دیگر با عنوان رسانه‌های جمعی و شکاف آگاهی، درباره‌ی رابطه‌ی آگاهی و متغیرهای دیگر ممکن است به شکاف آگاهی منجر شود به این شرح است:

۱. اگر در موضوعی محل تعارض وجود داشته باشد احتمال دارد شکاف آگاهی کاهش یابد.

۲. گسترش شکاف آگاهی در اجتماعات متکثر که در آنها منابع اطلاعات متعدد است، بیشتر است تا در اجتماعات همگون با منابع اطلاعاتی محدود.

۳. اگر موضوعی، اثر محلی فوری و قوی داشته باشد، احتمال دارد شکاف آگاهی کاهش یابد (دانا، ۱۹۷۵: ۱۶۴).

نتایج تحقیقی که در کره‌ی جنوبی انجام شد نیز نشان داد که روزنامه‌ها و اینترنت (رسانه‌های مکتوب) ممکن است موجب افزایش شکاف آگاهی میان طبقات مختلف جامعه شوند (هیل کیم، ۲۰۰۸: ۱۹۴). در تحقیقی مشابه با عنوان «افزایش یا کاهش شکاف آگاهی، بررسی تأثیرات رسانه بر دانش سیاسی در اسپانیا»، مشخص شد که روزنامه‌ها مهم‌ترین رسانه‌ای هستند که تأثیر مهمی بر دانش دارند، اما اطلاعات سیاسی روزنامه‌ها شکاف آگاهی میان گروه‌های مختلف جامعه را تقویت نمی‌کند (مارتا، فریل ۲۰۰۴: ۱۶۴). اهمیت این فرضیه از این جهت است که (در صورت ارائه شواهدی مبنی بر درستی آن) می‌توان نتیجه گرفت، گسترش رسانه‌های جمعی به خودی خود نمی‌تواند ضعف آگاهی میان مردم را برطرف و گروه‌های اجتماعی اقتصادی پایین را با گروه‌های اجتماعی اقتصادی بالا هم سطح کند و با توجه به نتایج متفاوتی که از آزمون این فرضیه در اسپانیا و کره‌ی جنوبی به دست آمده است، به نظر می‌رسد متغیرهای دیگری نیز در این زمینه دخیل باشند. علاقه و انگیزه بیشتر برای کسب اطلاعات در میان افراد نیز می‌تواند متغیر مهمی باشد که بر شکاف آگاهی تأثیر بگذارد. برای آزمون این فرضیه (در جامعه‌ی مورد مطالعه)، رابطه‌ی بین آگاهی حقوقی و پایگاه اجتماعی اقتصادی پاسخ‌گویان، هم چنین رابطه‌ی بین آگاهی حقوقی پاسخ‌گویان و میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب در آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

روش شناسی

روش تحقیق این مطالعه اسنادی و پیمایشی بوده و به صورت مقطعی انجام شده است جامعه آماری پژوهش تمام دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان بودند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر از دانشجویان به صورت سهمیه‌ای انتخاب شدند و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفتند. سهمیه‌ها بر مبنای توزیع دانشجویان دختر در دانشکده‌های مختلف تعیین گردیدند. پرسش‌نامه پژوهش از نظر اعتبار و قابلیت مورد اعتماد از طریق اعتبار نمونه‌ای و اعتبار صوری آزمون گردید.

سنجش آگاهی‌های حقوقی زنان از قوانین خانواده بر اساس فرضیه شکاف آگاهی ۱۳۳

اعتبار نمونه‌ای به این معناست که پژوهشگر با طبقه بندی مواد حقوقی مربوط به حقوق زنان در نهاد خانواده، از کلیه طبقه‌ها موادی را برای طرح سؤال انتخاب کرده است. اعتبار صوری نیز بر مبنای تأیید استادان و کارشناسان حقوقی حاصل آمده است. برای سنجش اطلاعات حقوقی دانشجویان ۲۰ سؤال گزینه‌ای در زمینه آگاهی از مسایل حقوقی قبل از ازدواج، حین ازدواج و بعد از ازدواج مطرح گردیده و برای پردازش و تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS استفاده شده است. در ادامه نتایج تحلیل به دو صورت آمار توصیفی و استنباطی ارائه می‌گردد.

یافته‌های تحقیق

آمار توصیفی

جدول شماره (۱): آمار توصیفی وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی پاسخ‌گویان

جمع	رشته تحصیلی			مقطع تحصیلی	وضعیت تأهل
	فنی و مهندسی	علوم پایه	علوم انسانی		
۱۶۱	۲۰	۳۰	۱۱۱	کارشناسی	مجرد
۱۳۵	۷	۵۳	۷۵	کارشناسی ارشد	
۶	۰	۰	۶	دکتری	
۳۰۲	۲۷	۸۴	۲۱۹	جمع	
۳۹	۴	۵	۳۰	کارشناسی	متأهل
۳۲	۲	۹	۲۱	کارشناسی ارشد	
۲	۲	۰	۰	دکتری	
۷۳	۸	۱۴	۵۱	جمع	
۱۲					داده‌های از دست رفته
۳۸۴	۳۵	۹۸	۳۵۰		مجموع

همان طور که در جدول شماره (۱) مشخص است ۳۰۲ نفر از دانشجویان مجرد و تنها ۷۳ نفر متأهل هستند. هم چنین از ۳۸۴ نفر، ۲۰۰ نفر مقطع کارشناسی، ۱۶۷ نفر مقطع کارشناسی ارشد و ۸ نفر نیز مقطع دکتری هستند. اکثریت دانشجویان به ترتیب در رشته‌های علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی مشغول به تحصیل هستند.

جدول شماره (۲): پایگاه اجتماعی اقتصادی و میزان آگاهی حقوقی زنان در نهاد خانواده

جمع	پایگاه اقتصادی اجتماعی						میزان آگاهی حقوقی
	بالا		متوسط		پایین		
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۶	٪۱۰۰	۰	٪۳۳/۳	۱۲	٪۶۶/۷	۲۴	خیلی کم
۱۳۹	٪۱/۷	۲	٪۴۵/۳	۶۳	٪۵۳/۲	۷۴	کم
۱۸۴	٪۰	۰	٪۳۸/۶	۷۱	٪۶۱/۴	۱۱۳	متوسط
۲۰	٪۵	۱	٪۳۰	۶	٪۶۵	۱۳	بالا
۳۷۹	٪۸	۳	٪۴۰	۱۵۲	٪۵۹	۲۲۴	جمع

برای تعیین نمره آگاهی افراد ۲۰ سؤال حقوقی (در زمینه حقوق زنان در خانواده) پرسیده شد. کمترین نمره‌ای که پاسخ‌گویان می‌توانستند بدست آورند ۰ و بیشترین نمره ۲۰ بود. پاسخ‌گویانی که نمره‌ای بین ۰ تا ۴ داشتند از آگاهی حقوقی خیلی کم، کسانی که نمره‌ای بین ۵ تا ۸ از آگاهی حقوقی کم، کسانی که نمره‌ای بین ۹ تا ۱۲ داشتند آگاهی حقوقی متوسط، کسانی که نمره‌ای بین ۱۳ تا ۱۶ داشتند آگاهی حقوقی زیاد و کسانی که نمره‌ای بالاتر از ۱۷ کسب می‌کردند از آگاهی حقوقی بسیار زیادی برخوردار بودند (در بین پاسخ‌گویان کسی نمره‌ی بالاتر از ۱۶ کسب نکرد).

نحوه توزیع پاسخ‌گویان بر اساس پایگاه اقتصادی اجتماعی آن‌ها نشان می‌دهد، کسانی که پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین داشتند، هم از آگاهی حقوقی خیلی کم، کم، متوسط و بالا برخوردار بودند. کسانی که پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا داشتند نیز همین‌طور بود و در میان کسانی که پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا داشتند کسی آگاهی خیلی کم و متوسط نداشت، ۲ نفر آگاهی کم و یک نفر آگاهی بالا داشت. وجود بیش از نیمی تا یک سوم از افراد مورد مطالعه در پایگاه‌های اجتماعی مختلف با آگاهی حقوقی در سطح پایین حاکی از نوعی استقلال بین دو متغیر آورده شده در جدول است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد نمی‌توان همبستگی را بین متغیرهای پایگاه اقتصادی اجتماعی و سطح آگاهی حقوقی در جامعه آماری مورد مطالعه تأیید کرد.

این ارقام با توجه به اینکه نمونه آماری ما دانشجویان و قشر تحصیل کرده جامعه هستند، نشان دهنده آگاهی بسیار پایین زنان جامعه از حقوق خود در نهاد خانواده است.

سنجش آگاهی‌های حقوقی زنان از قوانین خانواده بر اساس فرضیه شکاف آگاهی ۱۳۵

جدول شماره (۳): پراکندگی توزیع پاسخ‌گویان نسبت به هریک از گویه‌های سنجش متغیر «آگاهی حقوقی»

عدم آگاهی		آگاهی		موضوع
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۷۸/۴	۳۰۱	۲۱/۶	۸۳	تهیه جهیزیه برای زندگی مشترک
۷۶	۲۹۲	۲۴	۹۲	شروط هنگام عقد ازدواج
۹۰	۳۴۵	۱۰	۳۹	حق زن در صورت فریب خوردن از همسر در ازدواج
۸۶	۳۳۱	۱۴	۵۳	حق زن در قبال عدم پرداخت نفقه توسط شوهر
۵۱/۳	۱۹۷	۴۸/۷	۱۸۷	چه کسانی در تعیین مهریه نقش دارند
۲۰/۶	۷۹	۷۹/۴	۳۰۵	حداقل سن ازدواج در ایران
۷۴/۵	۳۵۱	۸/۶	۳۳	اجازه عقد ازدواج دختر با چه کسی است
۷۴/۵	۲۸۶	۲۵/۵	۹۸	حق حبس چیست و چه زمانی می‌توان از آن استفاده کرد
۸۶	۳۳۱	۱۴	۵۳	حکم زنا با زن شوهردار در قانون
۶۱/۵	۲۳۶	۳۸/۵	۱۴۸	نظر اسلام مبنی بر تک همسری است یا چند همسری
۶۴/۳	۲۴۷	۳۵/۷	۱۳۷	مدت عده در ازدواج دائم
۲۳/۷	۹۱	۷۶/۳	۲۹۳	چه زنی باید بعد از طلاق عده نگه دارد
۵۳/۹	۲۰۷	۴۶/۱	۱۷۷	اگر در عقد نامه اشتغال زن شرط شده باشد آیا شوهر می‌تواند زن را از اشتغال منع کند
۱۱/۲	۲۳	۸۸/۸	۳۴۱	آیا زن در صورت شاغل بودن حق نفقه دارد
۲۷/۹	۱۰۷	۷۲	۲۷۷	نفقه چه کسی بر بقیه مقدم است
۳۰	۱۱۵	۷۰	۲۶۹	مسئولیت تربیت اولاد بر عهده چه کسانی است
۵۷/۸	۲۲۲	۲/۴۲	۱۶۲	هنگام ازدواج تعیین محل سکونت بر عهده مرد است یا زن
۸۷	۳۳۳	۱۳	۵۰	آیا شوهر می‌تواند هر زمان که اراده کرد همسر خود را طلاق دهد
۹۳/۲	۳۵۸	۶/۸	۲۶۰	تحت چه شرایطی مرد متأهل حق ازدواج مجدد دارد
۴۸/۲	۱۸۵	۵۱/۸	۱۹۹	در صورت طلاق، حضانت فرزندان توسط مادرتا چه سنی است

همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد ۷۰ درصد از دانشجویان نسبت به موضوعاتی همچون:

تهیه جهیزیه برای زندگی مشترک، شروط هنگام عقد ازدواج، حق زن در صورت فریب خوردن در ازدواج، حق زن در قبال عدم پرداخت نفقه توسط شوهر، حق حبس برای دختران در دوران نامزدی، حکم زنا با زن شوهردار و حکم قانونی شوهری که بدون اجازه دادگاه همسر خود را مطلقه می‌کند، اطلاعات کافی نداشتند و ۹۳ در صد آنها شرایطی که مرد متأهل در صورت دارا بودن آن شرایط، می‌تواند ازدواج مجدد کند را نیز

نمی‌دانستند. جالب توجه آن است که حدود ۷۴ درصد دانشجویان حتی نمی‌دانستند که در هنگام عقد ازدواج اجازه ازدواج آنها با چه کسی است. در مقابل دانشجویان بیشترین آگاهی را راجع به موضوعاتی همچون: حداقل سن ازدواج در ایران، مدت زمان عده نگه داشتن بعد از طلاق در ازدواج دائم، داشتن حق نفقه حتی در صورت شاغل بودن زن، مقدم بودن نفقه زن بر بقیه اعضای خانواده، مسئولیت تربیت اولاد و سن حضانت فرزندان برای مادر در صورت جدایی از همسر داشتند.

جدول شماره (۴): مقایسه میانگین‌های آگاهی حقوقی بر حسب میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب

شدت و معناداری رابطه	تعداد	درصد پیگیری مباحث حقوقی		میزان استفاده	نوع رسانه
		خیر	بلی		
Chi-Square = ۱/۱۱۵ Pearson's C = ۰/۰۵۶ Sig = ۰/۵۷۳	۶۶	%۹۷	%۳	زیاد	اینترنت
	۱۰۸	%۸۸/۹	%۱۱/۱	گاهی	
	۱۹۹	%۸۶/۹	%۱۳/۱	به ندرت	
	۳۷۳	%۸۹/۳	%۱۰/۷	در مجموع	
Chi-Square = ۲/۵۱۹ Pearson's C = ۰/۰۸۳ Sig = ۰/۲۸۴	۱۶۵	%۹۵/۸	%۴/۲	زیاد	مجله
	۱۲۰	%۹۱/۷	%۸/۳	گاهی	
	۸۴	%۹۲/۹	%۷/۱	به ندرت	
	۳۶۹	%۹۳/۸	%۶/۲	در مجموع	
Chi-Square = ۷/۴۹۵ Pearson's C = ۰/۱۴۳ Sig = ۰/۰۲۴	۱۶۹	%۹۵/۳	%۷/۴	زیاد	روزنامه
	۱۳۱	%۹۳/۱	%۶/۹	گاهی	
	۶۵	%۷۸/۵	%۲۱/۵	به ندرت	
	۳۶۵	%۹۱/۵	%۸/۵	در مجموع	
Chi-Square = ۲/۱۴۳ Pearson's C = ۰/۰۷۶ Sig = ۰/۳۴۲	۹۵	%۸۹/۵	%۴/۲	گاهی	میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب و پیگیری مباحث حقوقی در مجلات
	۱۸۲	%۹۴/۵	%۵/۵	زیاد	
	۸۳	%۹۰/۴	%۹/۶	به ندرت	
	۳۶۰	%۹۳/۹	%۱/۶	در مجموع	
Chi-Square = ۱۷/۷۵۰ Pearson's C = ۰/۳۱۵ Sig = ۰/۰۰۰	۹۵	%۹۱/۶	%۸/۴	گاهی	میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب و پیگیری مباحث حقوقی در روزنامه‌ها
	۱۸۲	%۹۴/۵	%۵/۵	زیاد	
	۸۳	%۸۴/۳	%۱۵/۷	به ندرت	
	۳۶۰	%۹۱/۴	%۸/۶	در مجموع	
Chi-Square = ۵/۲۳ Pearson's C = ۰/۱۱۸ Sig = ۰/۰۷۳	۹۵	%۹۱/۶	%۸/۴	زیاد	میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب و پیگیری مباحث حقوقی در اینترنت
	۱۸۲	%۸۸/۵	%۱۱/۵	گاهی	
	۸۳	%۸۶/۷	%۱۳/۳	به ندرت	
	۳۶۰	%۸۸/۹	۴۰	در مجموع	

سنجش آگاهی‌های حقوقی زنان از قوانین خانواده بر اساس فرضیه شکاف آگاهی ۱۳۷

آزمون مربوط به فرضیه تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیر مستقل استفاده از رسانه‌های مکتوب (اینترنت، روزنامه و مجله) و متغیر وابسته آگاهی حقوقی رابطه معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود ندارد. زیرا سطح معناداری در همه‌ی موارد بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد. به عبارت دیگر در صورت پذیرفتن فرضیه تحقیق، احتمال خطای ما بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. آنچه قابل توجه است اینکه، کسانی که از اینترنت، روزنامه و مجلات زیاد استفاده می‌کردند هم آگاهی حقوقی بالایی نداشتند. بنابر این به نظر می‌رسد صرف استفاده از وسایل ارتباط جمعی موجب افزایش آگاهی نمی‌شود، بلکه انگیزه و علاقه افراد برای کسب آگاهی حقوقی نیز، می‌تواند متغیر مهمی باشد که لازم است مورد بررسی قرار گیرد.

جدول شماره (۵): شدت و معناداری رابطه میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب و پیگیری دانش حقوقی

نوع رسانه	میزان استفاده	درصد پیگیری مباحث حقوقی		تعداد	شدت و معناداری رابطه
		خیر	بلی		
اینترنت	زیاد	۳٪	۹۷٪	۶۶	Chi-Square = ۱/۱۱۵ Pearson's C = ۰/۰۵۶ Sig = ۰/۵۷۳
	گاهی	۱۱/۱٪	۸۸/۹٪	۱۰۸	
	به ندرت	۱۳/۱٪	۸۶/۹٪	۱۹۹	
	در مجموع	۱۰/۷٪	۸۹/۳٪	۳۷۳	
مجله	زیاد	۴/۲٪	۹۵/۸٪	۱۶۵	Chi-Square = ۲/۵۱۹ Pearson's C = ۰/۰۸۳ Sig = ۰/۲۸۴
	گاهی	۸/۳٪	۹۱/۷٪	۱۲۰	
	به ندرت	۷/۱٪	۹۲/۹٪	۸۴	
	در مجموع	۶/۲٪	۹۳/۸٪	۳۶۹	
روزنامه	زیاد	۷/۴٪	۹۵/۳٪	۱۶۹	Chi-Square = ۷/۴۹۵ Pearson's C = ۰/۱۴۳ Sig = ۰/۰۲۴
	گاهی	۶/۹٪	۹۳/۱٪	۱۳۱	
	به ندرت	۲۱/۵٪	۷۸/۵٪	۶۵	
	در مجموع	۸/۵٪	۹۱/۵٪	۳۶۵	
میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب و پیگیری مباحث حقوقی در مجلات	گاهی	۴/۲٪	۸۰/۵٪	۹۵	Chi-Square = ۲/۱۴۳ Pearson's C = ۰/۰۷۶ Sig = ۰/۳۴۲
	زیاد	۵/۵٪	۹۴/۵٪	۱۸۲	
	به ندرت	۹/۶٪	۹۰/۴٪	۸۳	
	در مجموع	۱/۶٪	۹۳/۹٪	۳۶۰	
میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب و پیگیری مباحث حقوقی در روزنامه‌ها	گاهی	۸/۴٪	۹۱/۶٪	۹۵	Chi-Square = ۱۷/۷۵۰ Pearson's C = ۰/۲۱۵ Sig = ۰/۰۰۰
	زیاد	۵/۵٪	۹۴/۵٪	۱۸۲	
	به ندرت	۱۵/۷٪	۸۴/۳٪	۸۳	
	در مجموع	۸/۶٪	۹۱/۴٪	۳۶۰	
میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب و پیگیری مباحث حقوقی در اینترنت	زیاد	۸/۴٪	۹۱/۶٪	۹۵	Chi-Square = ۵/۲۳ Pearson's C = ۰/۱۱۸ Sig = ۰/۰۷۳
	گاهی	۱۱/۵٪	۸۸/۵٪	۱۸۲	
	به ندرت	۱۳/۳٪	۸۶/۷٪	۸۳	
	در مجموع	۴۰	۸۸/۹٪	۳۶۰	

آزمون مربوط به میزان استفاده از اینترنت و پیگیری مباحث حقوقی در آن، نشان می‌دهد که در مجموع حدود ۸۹ درصد از پاسخ‌گویان از اینترنت استفاده می‌کردند اما تنها ۱۰ درصد آنها در اینترنت در پی کسب آگاهی حقوقی بودند. ۹۱٪ از پاسخ‌گویان کم، متوسط یا زیاد روزنامه می‌خواندند، اما فقط ۸ درصد آنها مطالب حقوقی روزنامه‌ها را می‌خواندند. ۹۳ درصد پاسخ‌گویان اعلام کردند که از مجلات استفاده می‌کنند اما تنها ۶ درصد آنها از مطالب حقوقی مجلات استفاده می‌کردند. این در حالی است که بیشتر از ۹۵٪ پاسخ‌گویان اظهار داشتند از رسانه‌های مکتوب به میزان زیاد استفاده می‌کنند. بین میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب و پیگیری مباحث حقوقی در مجلات، روزنامه‌ها و اینترنت نیز، رابطه‌ی معناداری مشاهده نشد زیرا Sig در همگی موارد بزرگتر از ۰/۰۵ بود. بنابراین صرف استفاده از رسانه‌های مکتوب موجب افزایش آگاهی نمی‌شود، بلکه علاقه، انگیزه و پیگیری خود افراد نیز، متغیر مهمی است که باید به آن توجه نمود.

بحث و نتیجه گیری

تحقیق حاضر با هدف اصلی سنجش میزان آگاهی حقوقی زنان از حقوق خود در نهاد خانواده و بررسی فرضیه شکاف آگاهی با روشی پیمایشی انجام شد. جامعه آماری پژوهش، تمام دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان و نمونه آماری ۳۸۴ نفر از این دانشجویان بود که به شیوه‌ی سهمیه‌ای انتخاب شدند. طبق فرضیه شکاف آگاهی و اطلاعات، وقتی ریزش اطلاعات رسانه‌های جمعی به نظام اجتماعی افزایش می‌یابد، بخش‌هایی از جمعیت با پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتر سریع‌تر از بخش‌هایی با پایگاه پایین‌تر این اطلاعات را کسب می‌کنند (چون در این فرضیه، تحصیلات یکی از متغیرهای مهم در تعریف پایگاه است و افراد تحصیل کرده از رسانه‌های مکتوب بیشتر استفاده می‌کنند)، به طوری که شکاف در آگاهی میان این بخش‌ها به جای اینکه کاهش یابد، افزایش پیدا می‌کند؛ اما در جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش، رابطه‌ی معناداری بین میزان استفاده از رسانه‌های مکتوب (اینترنت، روزنامه و مجلات) و پایگاه اقتصادی اجتماعی پاسخ‌گویان (جدول شماره ۲) و دانش حقوقی آنها (جدول شماره ۴) مشاهده نشده و فرضیه شکاف آگاهی و اطلاعات در جامعه مورد بررسی تأیید نگردید. به نظر می‌رسد تنها پایگاه اجتماعی اقتصادی بالا (یا تحصیلات بالا) نمی‌تواند متغیر مستقلی باشد که موجب افزایش شکاف آگاهی شود، بلکه در این زمینه باید به متغیرهای دیگر هم توجه نمود.

هم چنین نتیجه تحقیق نشان داد که آگاهی حقوقی دانشجویان دختر از حقوق خود در نهاد خانواده بسیار کم می‌باشد. کم بودن آگاهی حقوقی در میان قشر تحصیل کرده جامعه، می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که اهمیت دانستن قوانین حقوقی به خصوص حقوق زنان در نهاد خانواده، هنوز برای زنان جامعه‌ی ما شناخته نشده است، زیرا همان طور که در جداول آماری نیز آمده است، کسب اطلاعات حقوقی از کم اهمیت‌ترین موارد برای دانشجویان بود، به همین دلیل در مواردی که پاسخ‌گویان از رسانه‌های مکتوب به میزان زیادی استفاده می‌کردند، باز هم آگاهی حقوقی کافی نداشتند.

در پاسخ به این سؤال که پاسخ‌گویان خود میزان اطلاعات حقوقی‌شان در نهاد خانواده را چه طور ارزیابی می‌کنند؟ ۵۱ درصد پاسخ‌گویان اظهار داشتند اطلاعات‌شان در حد پایین و بسیار پایین است و تنها حدود ۷ درصد آنها اطلاعات خود را در سطح بالا و بسیار بالا برآورد کردند. این پاسخ نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان خود نیز متوجه این مسأله هستند که اطلاعات حقوقی ایشان در نهاد خانواده پایین می‌باشد، اما پرسشی که مطرح می‌شود این است که چرا آنها برای دستیابی به دانش و آگاهی حقوقی اقدام نمی‌کنند.

برای یافتن این پاسخ، مصاحبه‌ای کیفی با پاسخ‌گویان انجام شد. پس از مصاحبه با ۲۰ نفر از پاسخ‌گویان به اشباع نظری رسیدیم. سپس کدگذاری و تحلیل پاسخ‌ها انجام شد. نتایج نشان داد، عمده‌ترین دلیل عدم آگاهی و توجه دانشجویان به حقوق خود در نهاد خانواده، عدم احساس نیاز به دانستن قوانین حقوقی (تقریباً همه‌ی پاسخ‌گویان اظهار داشتند که ضرورتی برای افزایش دانش حقوقی خود نمی‌بینند، حتی دانشجویان متأهل نیز همین پاسخ را دادند) عنوان شد. به اعتقاد دانشجویان دانستن قوانین حقوقی دردی را درمان نمی‌کند، چون اگر حقی هم وجود داشته باشد برای گرفتن آن باید مدت‌های مدیدی به مراجع قانونی و نیز دادگاه‌های خانواده مراجعه کرد.

به نظر می‌رسد عدم توجه مجریان قانون به اعطای به حق حقوق زنان در کم‌ترین زمان و مناسب‌ترین شرایط قضایی و نیز وجود بوروکراسی حاکم در این زمینه، موجب عدم انگیزه و علاقمندی و پیگیری پاسخ‌گویان برای افزایش دانش و آگاهی حقوق خود (در خانواده) شده است. البته تأیید این فرضیه نیازمند مطالعه بیشتر در این زمینه است.

کم بودن دانش و آگاهی اجتماعی زنان را می‌توان ناشی از دو مجموعه عوامل مرتبط با رسانه‌ها از یک سو و عوامل مرتبط با مخاطبان از سوی دیگر دانست. از آنجا که اطلاع رسانی و افزایش آگاهی یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه‌ها است، برای ترغیب بیشتر زنان به افزایش دانش حقوقی ایشان در خانواده

پیشنهاد می‌شود رسانه‌ها لزوم انتقال دانش مرتبط با قوانین حقوقی و سعی در فرهنگ سازی در این امر را در دستور کار خود قرار دهند. زیرا دانستن قوانین حقوقی موجب می‌شود افراد از آسیب‌ها و زیان‌های احتمالی به دلیل ناآگاهی و عدم کسب شناخت نسبت به حقوق خویش در امان باشند. هم چنین دانش اجتماعی و آگاهی حقوقی شهروندان موجب رشد و تعالی آنها شده و جامعه نیز، مسیر توسعه و پیشرفت را سریعتر خواهد پیمود.

منابع

- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و اکرم حبیب پورصادقی (۱۳۸۷) نقش دانش حقوقی زنان کارمند در فرآیند مشارکت (زنان کارمند شاغل در وزارتخانه‌ها)، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۶ ش ۱، بهار ۸۷، صص ۷۴-۵۵.
- سورین، ورنر و تانکاره، جیمز (۱۳۸۶) نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شیانی، ملیحه و سیاوش فاطمی‌نیا (۱۳۸۸) میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی، مجله راهبرد یاس، شماره ۱۸، صص ۱۲۹-۱۰۳.
- طوریان، مهدی (۱۳۸۶) تأملی بر نقش وسایل ارتباط جمعی در جامعه، مجله روابط عمومی، ش ۴۹.
- عبدی، عباس (۱۳۷۱) مباحثی در جامعه شناسی حقوقی در ایران، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۵) فلسفه حقوق، جلد اول، ماهیت و تعریف حقوق، تهران: انتشارات بهنشر، چاپ دوم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸) مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، چاپ شصت و نه.
- مهدوی، سید محمد صادق و فاطمه میرزاپور (۱۳۸۸) بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر آگاهی زنان شهرستان اهواز از حقوق اجتماعی و قانونی خود، پژوهش نامه علوم انسانی، سال سوم، ش ۱.

Donohue, George A., Philip J. Tichenor, Clarice N. Olien (1975) Mass Media and the Knowledge Gap. A Hypothesis Reconsidered, *Communication Research* 2 (1): 3-23.

Donohue, George A., Philip J. Tichenor, Clarice N. Olien (1986) Metro Daily Pullback and Ledge Gaps: Within and Between Communities, *Communication Research*, 13,453-471.

Donohue, George A., Philip J. Tichenor, Clarice N. Olien (1970) Mass Media Flow And Differential Growth in Knowledge, *Public Opinion Quarterly* 34(2): 159-70.

Marta Frail (2004-2006) Widening or Reducing the Knowledge Gap? Testing the Media Effects on Political Knowledge in Spain, *International Journal of Press / 16* (2) 163-184.

Sei - Hill Kim (2008) Testing the knowledge Gap Hypothesis in South Korea: Traditional News Media The Internet and Political Learning, *International Journal of Public Opinion Research* Vol.20 No.2.

Tichenor, P.J. Donohue, G.A. and Olien, C.N (1970) Mass Media Flow and Differential Growth in Knowledge, *Public Opinion Quarterly* 34: Colombia University Press.